



۲۰۲۰/۱۲/۲۵



عبدالقیوم میرزاده

وظیفه مبرم ما برای نجات میهن

به پندار خلیل زاد در روشنی خطوط برجسته پالیسی های بریژنسکی در صف بندی های جدید بین المللی در جنوب آسیا با ملاحظه به وضعیت بحرانی اقتصادی و سیاسی ایالات متحده امریکا گروه تروریستی طالب، مجاهدین دیروز و پاکستان (اگر از چنگ همکاری با چین در میگا پروژه های اقتصادی آنکشور در جنوب آسیا وار هانیده شود) بهترین گزینه برای تعمیل و تحقق اهداف و مقاصد کلان استراتژیک آنکشور علیه چین، روسیه، ایران و جمهوریت های آسیای میانه تشخیص داده شده است.

اما چرا امریکا طالب را در تحت سیطره سازمان استخبارات پاکستان قرار داده است و از آن طریق آنرا تسلیح و تجهیز میکند؟

اولاً امریکا این کار را برای فریب اذهان مردم منطقه و جامعه جهانی انجام میدهد. دوماً برای اینکه پاکستان همکار استراتژیک امریکا در منطقه بوده و با دادن همچو امتیازات میتواند از وابستگی اش به چین و قدرت های دیگر جلو گیری کرده و در صورت تخلف پاکستان در همسویی با سیاست های امریکا در این راستا حربه و دستاویز نیرومند مبنی بر افراطیت، تروریست پروری پاکستان و روابط تنگاتنگ آن با القاعده و سایر گروه های تروریستی در دست داشته باشد.

بیشترین کارشناسان امور منطقه به این باور اند که پاکستان از بدو موجودیت نا میمونش پیوسته مخاصمت علیه افغانستان را در محراق سیاست گزاری های بالفعل و بالقوه اش در نظر داشته و در این همه مدت هیچ تغییری در سیاست هایش علیه کشور ما رونما نگریده است.

اما رویداد های تاریخی واضحاً بما میرساند که پاکستان در بسیاری از محدوده های زمانی که ذریع و وسایل خاصاً غلام بچگان چون مجاهد، طالب و داعش را در اختیار نداشت وضعیت چنین نبود باری ذوالفقار علی بوتو صدراعظم وقت پاکستان شهید محمد داود خان رئیس جمهور افغانستان را در جریان یک سفر رسمی از پاکستان در پیشگاه همه اعضای کابینه اش و اعضای پارلمان آنکشور پدر خطاب کرد. این درست زمانی بود که کشور ما صاحب یک دولت مقتدر ملی بود. حالا که این عناصر خاین را در اختیار دارد هر عقل سلیم درک میکند که پاکستانیها مگر دیوانه باشند از چنین نعمتی در راستای تحقق اهداف شان تا عمق استراتژیک در افغانستان و منطقه چشم پوشی کند؟! آنها حتی در برابر تهدیدات هند و چانه زنی در روابط شان با امریکا از این حربه استفاده میکنند.

در پهلوی این همه مسایل خلیل زاد مصمم است تا تخم نفاقی را که با بقدرت رسانیدن خابنین ملی، زور گویان تنظیمی، عناصر مافیایی و دزدان در جلسه دسمبر ۲۰۰۱ بن کاشته است به ثمر برساند. زیرا همه این عناصر خاین، زورگو، غاصب، مفسد و مافیایی امروز متحدانه در زیر سیطره و مدیریت عبدالله عبدالله برای منافع امریکا و پاکستان بر علیه

منافع ملی افغانستان کار و فعالیت دارند و حاضر اند مانند سال ۱۹۹۲ در تحت بهانه های مختلف جنگهای محلی را سازمان داده و حکومت های ملوک الطوائف را مستقر سازند و به این ترتیب زمینه همه سوء استفاده های استراتژیک و چپاول دارایی عامه و معادن سرشار و آبهای کشور را به خارجیان خاصاً پاکستان و امریکا مهیا گردانند. همین اکنون صدا هایی خاینانه و مغرضانه (الله گل مجاهد، دوستم، عطا محمد نور، تورن اسمعیل و دیگران) از گوشه و کنار کشور مبنی بر اینکه «اگر دولت توان مقابله با طالب را ندارد، ما علیه طالب میجنگیم و امنیت خویش را تأمین میکنیم» شنیده میشود. این خاینین و سیه کاران تاریخ نمیدانند که اگر آنها چنین توانمندی را دارند چرا در صفوف قوای مسلح کشور در زیر بیرق سه رنگ ملی در تحت قوانین دولت جمهوری اسلامی افغانستان برای تأمین ثبات در کشور این کار را انجام نمیدهند؟ از همه اقدامات و موضعگیری این غلام بچگان و رسوایان تاریخ معاصر افغانستان بخوبی بر می آید که آنها سخیفانه و خائنانه در پی تحقق اهداف خارجیان اند تا کشور ما را به سوی بی ثباتی بیشتر جولان داده و شیرازه نظام دولتی را در هم شکنند. در باره مذاکرات نامنهاد صلح دوحه باید گفت که این مذاکرات دقیقاً دلفک بازی خلیل زاد است تا دولت افغانستان را به این وسیله نیز تحت فشار قرار دهد و با تخویف و تطمیع اعضای هیئت نماینده گی افغانستان در این مذاکرات فضای دوگانگی و چندگانگی دولت افغانستان را در جریان این مذاکرات به نمایش انظار جهانی بگذارد.

دولت افغانستان زیر فشار های مضاعف امریکا تا سرحد تهدید قطع کمکهای اقتصادی، فشار جنگ تمام عیار پاکستان زیر نام طالب، ایجاد فضای ترور، اختناق، انفجارات، راکت پراگنی ها و ترور های هدفمند شخصیت های مؤثر ملی و زیر فشار خاینین و مافیا های داخلی با آنکه کمرش خم گشته ولی تاکنون ایستاده گی کرده و تلاش دارد تا پلانه های دشمنان را در بُعد داخلی و خارجی سد گردیده و ناکام سازد. اما بیشترین این وظیفه بر میگردد به همه مردم و خاصاً به احزاب و سازمانهای سیاسی، اتحادیه های صنفی و مسلکی، سازمانهای اجتماعی و در یک کلام جامعه مدنی و همه نخبگان کشور که برای نجات کشور از هیولای تجاوز خارجی در وجود طالب، مافیا ها و زور گویان همه دست بدست هم داده حکومت را در راه مهار این هیولا همکاری صادقانه کنند. هر قدر مردم از دولت فاصله میگیرند به همان اندازه شاهرگ های منافع ملی زیانمند و نابود میگردد و اهداف دشمنان افغانستان کامیاب میگردد و هر قدر مردم در کنار دولت متحدانه ایستاده شوند به همان اندازه دولت قدرتمند در راه تحقق منافع ملی از نوامیس ملی و تمامیت ارضی حراست کرده میتواند. از دید علوم اجتماعی، سیاست و مدیریت در شرایط موجود کشور هیچ عملیه دیگر را در این راستا نمیتوان جایگزین کرد.

در شرایط موجود مداخلات عریان خارجی و موجودیت عناصر مافیایی فعال وابسته به سازمانهای استخبارات خارجی خاصاً پاکستان و امریکا که هر دو در آرزوی یک افغانستان بی ثبات هستند و امریکا مصمم است تا با استفاده از این سلاح تروریسم و افراط گرایی غرض تحقق اهداف استراتژیک خویش علیه چین، روسیه، ایران و سایر کشور های جهان استفاده کند، مدیریت ملی هر نوع حرکت های نوع قیام، کودتا، حکومت مؤقت و یا تخریب سیستم اداره دولت امریست ناممکن که منجر به انارشسیم و فرو پاشی سیستم اداره دولتی میگردد و این کار معادل خیانت ملی است. امروز ما شاهد هستیم که امریکا، پاکستان بوسیله طالب، داعش، القاعده، مافیا ها و دزدان ستون پنجمی داخل رژیم و تمام تروریستان شرارت پیشه خود تاسیسات و ارکان دولتی و عناصر کارا و مفید سازمانهای سیاسی و جامعه مدنی کشور ما را نشانه گرفته و هر روز تعدادی از این کیمیا های سعادت کشور ما را به خاک و خون میکشند. خلیل زاد با جمع ذرایع بالا ذکر یافته تلاش دارد تا به هر نحوی که برایش میسر گردد دولت جمهوری اسلامی افغانستان را

منزوی ساخته و اداره دولت را از درون به بحران بکشاند. چنانچه در گزارشات قبلی خلاصه در گزارش مؤرخ ۴ جولای ۲۰۲۰ زیر عنوان «بلاخره خلیل زاد از بخشهای مستور توافقنامه خویش با طالبان پرده برداشت» از ملاقات های خلیل زاد و مسئولین امور سرمایه گذاری های اقتصادی امریکا با طالبان در دوحه توضیحاتی ارائه کرده ام. امروز دیگر جای شک باقی نمانده که امریکا در تفاهم با پاکستان مصمم اند تا قدرت را در افغانستان به پاکستان در وجود طالبان واگذارد. جنگ در سراسر افغانستان به شدت جریان پیدا کند، مخاصمت های قومی، ستمی، زبانی و تنظیمی به جنگ تمام عیار تبدیل گردد و تا این مرحله عناصر و شخصیت هائیکه با این تروریستان پاکستانی و همکاران امریکایی و مافیایی درون رژیم مخالف اند و به گونه های مختلف مردم را از این محور شرارت آگاه میسازند یکی ترور میکنند. دقیقاً همانطوریکه خلیل زاد در مصاحبه با تلویزیون طلوع گفته بود که طالبان به امریکایان آسیب نمی رسانند اما با مخالفین اش یعنی دولت افغانستان به جنگ شان ادامه میدهند. از تپ و تلاشهای ستون پنجمی ها و سفر های پیهم این خود فروخته گان به پاکستان و ایران و ملاقات های مکرر خلیل زاد با مسئولین نظامی پاکستان و رئیس سازمان استخبارات پاکستان بر می آید که امریکا مصمم است تا در همکاری با سازمان استخبارات نظامی پاکستان و عناصر خود فروخته ستون پنجمی دارو دسته عبدالله عبدالله که گلبدین هم جزء آن است یکی از ولایات کشور را بوسیله (طالبان) پاکستان سقوط داده و حاکمیت طالبان را در آنولا مستقر ساخته و اعلام امارت کنند و به این ترتیب در یک قلمرو دو دولت را بجان هم بیاندازد، آنها خوب میدانند که یکطرف یعنی دولت افغانستان برای حفظ نوامیس ملی، حاکمیت ملی، حفظ دستاورد های دیموکراتیک و مردمی، تمامیت ارضی کشور مکلف به دفاع مشروع از کشور و مردم میباشد و در طرف دیگر گفتاران وحشی تربیت شده پاکستان را که یقیناً پرداخت مصارف نظامی، تسلیحاتی و لوژستیکی آنرا امریکا عهده دار گشته است زیرا پاکستان در وضعیت موجود اقتصادی هرگز توان پرداخت همچو مصارف گزاف جنگی را ندارد بجان مردم ما انداخته و خانه جنگی شدت پیدا کرده و تجاوز عریان خارجی را به جنگ داخلی تبدیل کنند.

از تحلیل این حالات میتوان نتیجه گیری کرد که اوضاع در جهان و در جنوب آسیا آستن صف بندی های جدید سیاسی - نظامی میباشد. امریکا دیگر توان اقتصادی رویارویی نظامی و اداره جهان را از دست داده است. بحران های اجتماعی در آمریکا فراگیر شده اند و اعتراضات اجتماعی روز تا روز شدت یافته است. این بحران ها در روند و نتایج آخرین انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده امریکا به نحو خشنونت آمیزی ظاهر شدند. همچنان حاکمیت موجود یا حاکمیت ترمپ در پی نجات سرمایه داری بوسیله حمایت دولتی بود. جنگ تجاری با چین و اعمال تعرفه ها، بازگرداندن مشاغل با اعمال فشار به شرکتهای بزرگ چند ملیتی خلاصه شرکت های فعال چون (گوگل، مایکروسافت، اپل و ...)، خارج شدن آمریکا از توافق های بازار آزاد و نظایر آن همه در عمل برخلاف شعار گلوبالیزم «بازار آزاد» حمایت دولت از سرمایه بود. شعار ترامپ مبنی بر «بازگرداندن دوباره ی عظمت آمریکا» محمل سیاسی این سرمایه داری دولتی است که در عرصه ی جهانی در مسیر جنگ سرد با چین حرکت میکند. در سطح منطقه شاخصهای بیان شده در مصاحبه وزیر خارجه ایران با مدیر مسئول تلویزیون طلوع، ملاقات های اخیر مقامات افغانی با مقامات ایرانی و رهبران جمهوریت های آسیای میانه، نظریات اشتراک کننده گان کنفرانس های اخیر وزارت خارجه افغانستان برای اجماع منطقوی و مصاحبه معاون پیشین دفتر مطالعات سیاسی و بینالمللی وزارت خارجه ایران به ایرنا که گفته است: «ایران با اصل و اساس گفت وگوهای بین الافغانی موافق است و تاکید دارد که بحران داخلی افغانستان راهحل نظامی ندارد اما افزوده که انتقاد ایران به متودولوژی و شیوه های است که از

سوی آمریکا برای حل بحران افغانستان در پیش گرفته شد. در واقع روش آمریکا موجب شده یک طرف از طرفین گفت وگوهای صلح بی‌جهت دچار توهم شده و زیاده‌خواهی‌هایی کند و با طرح مطالبات حد اکثری و بدون انعطاف پذیری، عملاً دولت مرکزی افغانستان را نادیده بگیرد.» همه و همه می‌رساند که مردم ما اگر به آگاهی و درک منافع ملی رسیده باشند متحدانه در کنار دولت قرار گیرند، دولت مقتدر ملی شان میتواند در سطح بین‌المللی از جایگاه با اعتبار در این صف بندی‌های جدید ممثل اراده مردم افغانستان قرار گرفته و در راستای منافع ملی کشور ما با یک اجماع منطقی و بین‌المللی در مبارزه با تروریسم، افراطیت و خشکانیدن منابع تمویل این پدیده شوم مبادرت ورزد. پس راه برون رفت از این معضل اجتماعی، سیاسی و نظامی فقط و فقط مبارزه بی‌امان همه مردم، متحدانه در کنار قوای مسلح کشور و ارگانهای تأمین نظم عامه علیه تمام غلام بچگان پاکستانی چون طالب، داعش، القاعده، دار و دسته مافیایی زور گوی و قانون شکن عبدالله عبدالله میباشد. پس مردم ما باید این وظیفه مبرم را درک کنند که سیاست پاکستان میتواند در برابر افغانستان با در نظر داشت منافع جانبین رقم بخورد اگر این ذرایع و وسایل که پاکستان بوسیله آنها در تار و پود جامعه ما رخنه کرده است نابود و از دسترس اش خارج گردد.

